



Explanation of Mulla Sadra's philosophical soul logical thoughts and the application of its educational implications in the formal and general education system

Mahdi rezaei¹

Abstract

The training of the soul and psycho in the philosophical researches of Islamic education, especially with the approach of its application in formal and general education, is one of the most valuable topics that has become the focus of some researchers in this field of humanities; The present research seeks to recognize Mulla Sadra's philosophical psychological thoughts and find their traces in the formal and general education system. This research has used a combination of descriptive-analytical, deductive and comparative research methods. The results of the research indicate that Sadra's wisdom can answer the fundamental questions in the field of psychology and its training in the formal and general education system. In this school, man is connected to the divine origin and destination, whose existence is composed of body and soul. His happiness in both worlds can also be summed up as intellectual happiness in the context of the growth of reason. According to the main goal of the fundamental transformation document in the official and general education system, i.e. the realization of the good life in education and finding the meaning of the good life in the reasonable life and rational education in the sublime wisdom, it is possible to achieve this goal of the document by planning this educational area in different academic periods. The transformation was achieved.

Keywords: formal and general education, educational deductions, soul and psyche, Mulla Sadra.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.3.3

1. Education-shahid chamran- farhangian university-tehran- iran.

Mh.rezaei@cfu.ac.ir

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مجلة البحث العلمي في قضايا التربية الإسلامية

تبيين أفكار الملا صدرا النفسية الفلسفية و تطبيق دلالاتها التربوية
في نظام التعليم و التربية الرسمي و العمومي.

مهدي الرضائي¹ ID

٦٠

المجلد ٣١
الخريف ١٤٤٤

ورقة البحث

تاريخ الاستلام: 1443/12/13
تاريخ القبول: 1444/8/13
تاريخ المراجعة: 1445/4/6
تاريخ النشر: 1445/6/11

٧٥-١٠٨:صص

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



الملخص

يعد تربية النفس و العقل في الأبحاث الفلسفية للتعليم و التربية الإسلامية- خاصة مع منهج تطبيقها في التربية الرسمية و العامة- من أفضل الموضوعات التي ظلت محط اهتمام بعض الباحثين في هذا المجال من العلوم الإنسانية. يبحث البحث الحالي عن تبيين أفكار الملا صدرا النفسية و الفلسفية، و استنباط دلالاتها في نظام التربية الرسمي و العام. وقد استخدم في هذا البحث منهج بحث الوصفي- التحليلي، و المنهج الاستنتاجي للضرورة بالقياس الى الغير. وتشير نتائج البحث إلى أن الحكمة الصدراتية تستطيع الإجابة على الأسئلة البنائية في مجال معرفة النفس و تربيتها في نظام التعليم و التربية الرسمي و العام. و في هذه المدرسة يكون الإنسان متصلا بالمبدأ و المقصد الالهيين، الذي يتركب وجوده من الجسم و الروح. كما أن سروره في العالمين يتلخص في السعادة العقلانية في سياق التطور العقلي. مع النظر الى الهدف الرئيسي لوثيقة التغيير الجذري في نظام التربية الرسمي و العام- أي تحقق الحياة الطبية في التربية و ظهور معنى الحياة الطبية في الحياة المعقولة و التربية العقلانية في الحكمة المتعالية- يمكن من خلال تخطيط هذا المجال التربوية في فترات دراسية مختلفة، الوصول الى هذا الهدف لوثيقة التغيير. الكلمات الرئيسية: التربية الرسمي و العام، وثيقة التغيير الجذري، علم النفس الفلسفي، النفس و العقل، ملا صدرا.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.3.3

Mh.Rezaei@cfu.ac.ir

١. الكاتب المسؤول : أستاذ مساعد، قسم العلوم التربوية، جامعة فرهنجان، طهران، ايران.



الناشر: جامعة الامام الحسين (ع)

هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).





تبیین اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی ملاصدرا و کاربرد دلالت‌های تربیتی آن در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی

مهدی رضایی^۱ ID

شماره
۶۰

سال سی یکم
پاییز ۱۴۰۲
صص: ۱۰۸ - ۷۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۰ تیر ۱۴۰۱
تاریخ بازنگری: ۱۳ اسفند ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۴ مهر ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۰۱ مهر ۱۴۰۲

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.3.3

Mh.Rezaei@cfu.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



چکیده

تربیت نفس و روان در پژوهش‌های فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی به ویژه با رویکرد کاربردی آن در تربیت رسمی و عمومی از باارزش‌ترین موضوعاتی است که کانون آگاهی برخی از پژوهشگران این گستره از علوم انسانی قرار گرفته است؛ پژوهش حاضر در جستجوی تبیین اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی ملاصدرا و استنباط دلالت‌های آن در نظام تربیت رسمی و عمومی است. این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش استنتاجی ضرورت بالقیاس الی‌الغیر بهره برده است. نتایج پژوهش حکایت از آن دارند که حکمت صدرا می‌تواند پاسخ‌گوی پرسش‌های بنیادین در حوزه نفس‌شناسی و تربیت آن در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی باشد. انسان در این مکتب، متصل به مبدأ و مقصد الهی است که وجودش مرکب از جسم و روح است. همچنین خجستگی او در دو جهان به سعادت عقلانی در بستر رشد تعقل خلاصه می‌گردد. با توجه به هدف اصلی سند تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی یعنی تحقق حیات طیبه در تربیت و معنایابی حیات طیبه به حیات معقول و تربیت عقلانی در حکمت متعالیه می‌توان با برنامه ریزی این ساحت تربیتی در دوره‌های مختلف تحصیلی به این هدف سند تحول دست یافت.

کلیدواژه‌ها: تربیت رسمی و عمومی، سند تحول بنیادین، روان‌شناسی فلسفی، نفس و روان، ملاصدرا.

مقدمه

تربیت، فرآیندی است آکنده از واقعیت‌های پیچیده، گسترده و تأثیرگذار که اندیشه ورزشی در آن از دیرباز مورد توجه صاحب‌نظران این حوزه بوده است؛ اما گشودگی این پیچیدگی از زمینه تربیت، نیازمند فلسفه ورزشی در زمین تربیت است که انگیزه اندیشمندان حوزه فلسفه تربیت را دو چندان میکند. فلسفه تربیت که به مثابه «محصول تلاش عقلانی آدمی درباره چستی، چرایی و چگونگی تربیت با تأکید بر مبانی فلسفی مدون و با بهکارگیری شیوه‌های فلسفی متنوع» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۷) است این فرایند چالشی و پرمسئله را از زاویه دوربین فلسفی به نظاره نشسته و نقش تأثیرگذاری آن را در هدایت و سازماندهی مجموعه تدابیر و اقدامات تربیتی و ترسیم چشم‌انداز تربیت جامعه روشن ساخته است و افزون بر آن، تحول در نظام آموزشی و تربیتی را با نگاه فلسفی می‌کاود؛ زیرا تغییر و «مقوله تحول در نظام آموزشی مبحث دیرپایی است و به‌زعم برخی از اربابان تعلیم و تربیت از لوازم لایتجزای نظام‌های آموزشی تحول مستمر و تغییرات پی‌درپی و ارتقا آن است». (طوسی، ۱۳۸۰: ۱۵)

«تغییر و تحول اساسی در نظام‌های آموزشی دنیا را می‌توان در سال‌های ۱۹۴۵ به بعد جستجو کرد. (قورچیان، ۱۳۷۸: ۱۱۲). لذا اندیشه تغییر و تحول که زمینه آموزش‌های کارآمد و نظام پیشرو در آموزش را به ارمغان آورد رشد و توسعه را تجلی ساخت. این گونه بود که کشورهایمانند آلمان و ژاپن شتاب و توسعه خود را مدیون تحولات در نظام آموزشی خود نسبت به ساختارها، زمینه‌ها و محتوای نظام آموزشی خویش دانستند. از این رو مطالعات صاحب‌نظران این حوزه همچون شریعتمداری، شکوهی، کاردان، باقری، مهر محمدی و دیگران شاهد آن است که تحول در نظام تربیت رسمی و عمومی را راهکار اساسی کسب جایگاه شایسته و بایسته ملی پنداشته‌اند. البته مهم‌ترین دلیل آن را می‌توان «عدم ابتدای نظام فعلی آموزش و پرورش بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۴) دانست که پس از چندین سال مطالعه و پژوهش سند ملی آموزش و پرورش در آذرماه ۱۳۹۰ به چاپ رسید.

کسب جایگاه شایسته نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در تربیت انسان متعالی و رشد یافته، مرهون ابتنای آن بر مبانی علمی و فلسفی دقیق است که موضوع تربیت انسان را با همه ابعاد و زوایای آن، واکاوی علمی می نماید. در این میان، حکمت متعالیه صدرایی با توجه به غنای علمی خود در پاسخ به پرسش های بنیادین روان شناختی و تربیتی عصر حاضر و قابلیت مبنا قرار گرفتن آن در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی می تواند بستر ساز استنتاج دلالت های تربیتی بر پایه تربیت نفس و روان باشد؛ زیرا دانش تعلیم و تربیت دانشی است که از مبانی مختلف فلسفی و علمی در فرایند تربیت بهره می برد. یکی از علوم بنیادین و مبنا ساز این رشته علمی، دانش روان شناسی تجربی یا علمی است. روان شناسی تجربی، که خود، محصول حاکمیت روش شناسی تجربی بر علوم طبیعی است که پس از دوران رنسانس در غرب و تحولات آن، بر حوزه های دانش سایه افکنده است. این دانش جدید با ورود به بحث و تحقیق درباره مسائلی چون چیستی و هستی نفس، تنها به بررسی و مطالعه علمی رفتار به عنوان موضوعی قابل مشاهده و اندازه گیری و یا حداکثر فرایندهای ذهنی می پردازد. (بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۷۷ و ۱۷۸ و اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۲) که از کاوش در ماهیت نفس به معنای حقیقی خود بازمانده است؛ علاوه بر آن، همواره روان شناسان را در تشخیص، توصیه و داورای های روان شناختی دچار اشتباه کرده است. وجود نقص در ابزار شناخت حس و تجربه و دور شدن از حقیقت نفس انسانی، بر نارسایی های این دانش می افزاید. در این میان، دانش تعلیم و تربیت نیازمند مبانی روان شناختی ای است که دانش فلسفه در بخش علم النفس فلسفی می تواند تأمین کننده آن باشد؛ چون با به کارگیری روش تعقلی - نظری و ژرف اندیشی در آرای اندیشمندان و فیلسوفان مسلمان همچون ملاصدرا، وارد قلمرو جدیدی از دانش شده است که تدوین اندیشه های صدرایی در این حوزه می تواند گامی در مسیر ساخت و پردازش نظریه ای نوین در رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی باشد. (بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۷۷ و ۱۷۸)

روان شناسی فلسفی: از آنجایی که واژه علم النفس فلسفی یا بهتر بگوییم روان شناسی فلسفی، یکی از مهمترین متغیرهای تاثیر گذار در فرایند کسب نتایج پژوهش به شمار می رود ضروری به نظر می رسد تا بحثی هر چند کوتاه در این زمینه داشته باشیم. به این منظور ابتدا به واژه شناسی

نفس و روح و روان و تفاوت آنها با یکدیگر پرداخته می‌شود و در ادامه علم النفس و علم النفس فلسفی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نفس، روان و روح: نفس در زبان فارسی به جان، روح، روان، قوه‌ای است که بدان جسم زنده، زنده است. خود هر کسی، خود هر چیزی، حقیقت شی و هستی و عین هر چیز. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۳:۲۰۰۸) و روان به جان. گویند مراد از روان، نفس ناطقه است و از جان روح حیوانی. (همان، ج ۷:۱۰۸۲۵) تعبیر می‌شود. از این روان شناس به کسی اطلاق می‌گردد که عالم به احوال و اطوار مختلف روح انسان است همچنین دانش روان‌شناسی را آموخته باشد. همچنین روان‌شناسی عبارتست از تحقیق و مطالعه در حیات نفسانی و اعمال و رفتار انسان در احوال و اوضاع مختلف آن. در ادبیات انگلیسی از واژه نفس به "Soul"، روان "Psycho"، روح "Sprit" و ذهن "Mind" تعبیر شده است. (همان، ص ۱۰۸۲۹) بنابراین این گونه می‌توان نتیجه گرفت که نفس در لغت به معنای روان، روح و نفس ناطقه می‌آید. و اما در اصطلاح حکما نفس جوهری است که ذاتاً مستقل است و در فصل نیازی به ماده دارد و متعلق به اجساد و اجسام است و بالاخره جوهری است مستقل قائم به ذات خود که تعلق تدبیری به بدن دارد و یا جوهری است مستقل و غیر ثابت و در تصرف و تدبیر نیاز به جوهر روحانی دیگر دارد که روحانیت وی از نفس کمتر باشد و آن واسطه روح حیوانی است که آن هم واسطه دارد که قلب است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۴، ص ۵۵ و شرح حکمه الاشراف، ص ۳۸۲)

علم النفس: علم النفس فنی است که از نفس و عوارض (احکام) آن بحث می‌کند و مجموعه مسائلی را در بردارد که محور و موضوع همه آن‌ها نفس است. (فیاضی، ۱۳۸۹:۴۴). همچنین علم النفس یا روان‌شناسی از نظر فلاسفه اسلامی عبارت است از تعریف ماهیت نفس و اثبات وجود نفس و مغایرت آن با بدن و بیان اقسام نفوس چهارگانه و بحث درباره تجرد یا تجسم آن‌ها و شرح و تفصیل قوای مدرکه و کیفیت تاثیر و تاثر آن‌ها و سپس بحث درباره بقاء و فناء نفوس به فناء بدن و کیفیت. (مصلح، ۱۳۵۲: ۹) بنابراین علم النفس در این پژوهش عبارتست از دانشی فلسفی است

که به تبیین ماهیت نفس یا روان می‌پردازد و مسایل و احکام آن را در ارتباط با خود و بدن مورد بررسی قرار می‌دهد.

علم النفس فلسفی یا روان‌شناسی فلسفی: علم النفس فلسفی به مجموعه شناخت‌هایی گفته می‌شود که با رویکرد فلسفی بدست می‌آید. " (فیاضی، ۱۳۸۹: ۴۶) این دانش از هل بسیطه و مای حقیقیه نفس (بهشتی، ۱۳۸۵: ۲۱) و درمقابل روان‌شناسی علمی و روان‌شناسی تجربی درباره مسایل مربوط به ذهن و شعور بحث می‌کند و شامل مسایل متافیزیکی مربوط به روح و ذهن و هم چنین بحث المعرفه و شناخت‌شناسی است و این مسایل را به ترتیب زیر می‌توان خلاصه کرد: معیار ذهنی و نفسانی بودن یک امر، رابطه بین ذهن و شعور و ادراک، بحث در وجود ذهن صرف نظر از علم و شعور و یا وجود ذهنی ماورای ادراک و شعور، بحث درباره ماهیت ذهن، بحث درباره طبیعت خود (self)، رابطه بین ذهن و بدن و روح و جسم، بحث درباره آزادی ارده و عدم آزادی آن، بحث درباره روش روان‌شناسی، رابطه بین عقل و علم. " (جوادی، ۱۳۷۵: ۲۵۴) بنابراین رویکرد روان‌شناسی فلسفی در مقابل روان‌شناسی تجربی بک رویکرد کاملاً فلسفی است که نفس را از منظر فلسفه مورد بررسی علمی قرار می‌دهد.

اولین دلیل اهمیت انجام این پژوهش، وجود خلأهای پژوهشی در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است که با روی‌آوری اندیشمندانی همچون مصباحیزدی، باقری، بهشتی، علم الهدی و سایر پژوهشگران این حوزه و دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری مواجه گردیده و تحقیقات متعددی صورت گرفته است. دومین دلیل را می‌توان ضرورت دستیابی به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در بستر سامانه آموزش عالی و تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور دانست. در واقع استنتاج و استنباط مبانی و اصول و سایر مؤلفه‌های تربیتی از گزاره‌های فلسفی را می‌توان تنها راه دستیابی به یک نظام استاندارد فلسفی تعلیم و تربیت با رویکرد اسلامی دانست. از سوی دیگر بومی‌سازی فلسفه تعلیم و تربیت مطابق با مبانی دین اسلام نیازمند اکتشاف، استخراج، استنباط و استنتاج مبانی و مؤلفه‌های تربیت از گزاره‌های فلسفه اسلامی است که حکمت متعالیه می‌تواند در این میان نقش آفرین باشد. فراهم‌سازی چهارچوب فکری اندیشیدن، پژوهیدن و آماده‌سازی مقدمات استنتاج مدلول‌های تربیتی از دیگر دلایلی است که ضرورت انجام این پژوهش را برای محقق روشن می‌سازد؛ بنابراین مساله اصلی این پژوهش این است که چگونه می‌توان دلالت‌های

تربیتی مبتنی بر اندیشه‌های ملاصدرا در حوزه روان‌شناسی فلسفی را در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور به کار بست؟

مبانی نظری

نظام تربیت رسمی و عمومی

با توجه به هدف این پژوهش لازم است به معرفی کوتاهی از نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی پرداخته شود. "نظام تربیت رسمی و عمومی به نوعی سامان اجتماعی و فرهنگی سازمان‌یافته‌ای اطلاق می‌گردد که به‌عنوان مهم‌ترین عامل انتقال و اعتلای فرهنگ عمومی در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت فراهم آوردن زمینه نظام‌مند و عادلانه کسب آمادگی مرفقی آن جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر دوش دارد که دسترسی به آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان با تأکید بر هویت مشترک انسانی اسلامی و ایرانی ایشان در راستای شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه ساده بر پایه نظام معیار اسلامی مستلزم آن است که تربیت‌یافتگان این نظام، شایستگی‌های لازم را جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران کسب نمایند" (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۳۶).

هدف کلی این نظام آموزشی را می‌توان «فراهم آوردن زمینه نظام‌مند و عادلانه کسب شایستگی‌های فردی خانوادگی و جمعی لازم برای عموم افراد جامعه به‌منظور دستیابی به مرتبه قابل قبولی از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در همه ابعاد دانست» (همان: ۳۳۷).

بر پایه این سند بالادستی مسئولیت امر تربیت پیش از آغاز تربیت رسمی بر دوش خانواده است که دیگر نهادها در کنار خانواده در تدارک زمینه‌های لازم برای این امر هستند. همچنین در وضعیت فعلی، سن ورود به مدرسه ۶ سال تمام می‌باشد که با عنایت به شواهد تجربی در صورت فراهم آمدن شرایط لازم و مناسب می‌توان آن را به ۵ سال نیز کاهش داد. طبق این سند، متریبان، دوره آموزش رسمی و عمومی را در دوازده سالگی می‌نمایند. این زمان برای متریبان مستعد یا افرادی که دارای نیازهای ویژه می‌باشند متناسب با سطح توانایی‌های آنان سازماندهی خواهند شد" (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۴۹).

مرحله اول تربیت

این مرحله به کودکان دوره پیش دبستانی و دانش آموزان سال اول، دوم و سوم ابتدایی اختصاص می یابد. دوره پیش دبستانی به دوره ۲ ساله ای اطلاق می شود که کودکان ۴ تا ۶ ساله را تحت پوشش برنامه های تربیتی قرار می دهد. (صافی، ۱۳۹۳: ۶۵) هدف اصلی این دوره از تربیت، تمهید و آماده سازی کودکان از طریق رشد جنبه های طبیعی، فراهم سازی محیط غنی و شاداب برای بروز تفاوت های فردی پرورش حواس، شکل گیری منش کودک و ایجاد زمینه های آمادگی برای انس با قرآن است که از مختصات تربیت در این مرحله از رشد کودکان است. (همان: ۳۵۰) همچنین فراهم کردن محیط و فرصت هایی برای پرورش قوای جسمانی، عقلانی و عاطفی کودکان دانست. در بخش اصول آموزش و تربیت در این دوره می توان به تفاوت های فردی کودکان، پرورش خلاقیت، تحریک حس کنجکاوی و رشد همه جانبه کودک و تربیت شخصیت وی اشاره کرد. (همان: ۶۱ و ۶۳)

دوره ابتدایی اول نیز به یک دوره ۳ ساله ای اطلاق می شود که دانش آموزان ۶ تا ۹ ساله را تحت پوشش برنامه های تربیتی قرار می دهد. اهمیت این دوره آموزشی را می توان در شکل گیری شخصیت و رشد همه جانبه فرد دانست. مطابق با قانون اساسی معارف ایران مصوب ۱۲۹۰ هدف از تأسیس مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی علمی و بدنی ابناء نوع بشر دایر می گردد». از جمله اهداف مهم پایه اول دوره ابتدایی را می توان آموزش خواندن، نوشتن، حساب کردن و استدلال کردن دانست (همان: ۸۳). در بخش اهداف عاطفی نیز می توان به تقویت انگیزه آمدن به مدرسه و همچنین علاقه مند کردن کودک به درس به درس خواندن و یادگیری اشاره کرد. (همان: ۸۳) درباره اهداف پایه های دوم تا پنجم دوره ابتدایی می توان به توجه دانش آموزان به مبدأ آفرینش و رموز آن و ارائه اطلاعات لازم در زمینه ی واجبات دینی اشاره کرد اهداف دوره ابتدایی که در سال ۱۳۷۹ به تصویب رسید آموزش مسائل اعتقادی اخلاقی و علمی و آموزشی را در خود گنجانده است. به طور ویژه می توان گفت در اهداف علمی و آموزشی، تفکر کردن به عنوان یک مهارت در این دوره به شمار می آید. (همان: ۸۸) در بخش اصول آموزش و پرورش دوره ی ابتدایی می توان به این اصل مهم اشاره کرد که باید از طریق آموزش مفاهیم اساسی یعنی مکان شماره زمان و علت به پرورش تفکر کودک پرداخت؛ یعنی تفکری که بر واقعیت های عینی

و محسوس استوار باشد که دانش آموز این را تجربه کرده باشد. روش‌های مختلفی برای آموزش در دوره ابتدایی نام برده شده است مانند روش‌های سخنرانی توضیحی پرسش و پاسخ حل مسئله که در اینجا می‌توان به روش استدلالی و روش حل مسئله از طریق تعقل و تفکر اشاره کرد.

مرحله دوم تربیت

دومین مرحله از تربیت به دانش‌آموزان پایه‌های سوم و چهارم و پنجم دوره ابتدایی اختصاص می‌یابد. بر پایه سند تحول بنیادین باید به پرورش مهارت‌ها، باورها و گرایش‌ها، تقویت روحیه کارگروهي و مسئولیت‌پذیری و شناخت ارزش‌های اجتماعی پرداخت تا آمادگی‌های لازم را برای ورود به مراحل بالای آموزشی و زندگی را به دست آورند. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۵۰)

مرحله سوم تربیت

این مرحله، تربیت دانش‌آموزان پایه‌های ششم دوره ابتدایی و پایه هفتم، هشتم و نهم دوره متوسطه اول را محور برنامه‌های خود قرار می‌دهد. برای تحقق اهداف این دوره باید به موضوعاتی مانند: تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تفاوت‌های جنسیتی، پرورش استعدادهای فردی، ارزیابی فرایندهای تفکر و اندیشیدن پرداخته شود. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۵۱) با بررسی اهداف برنامه درسی پایه ششم ابتدایی به این نکته رهنمون خواهیم شد که تربیت عقلانی و تقویت تفکر و تعقل به‌عنوان اولین و مهم‌ترین اهداف آموزشی و تربیتی در دوره ابتدایی در پایه ششم هست. (صافی، ۱۳۹۳: ۱۱۲) همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که درس تفکر و سبک زندگی و همچنین تفکر و پژوهش در راستای تربیت عقلانی و دستیابی به این هدف در پایه ششم ابتدایی طراحی شده است.

در بخش اهداف این دوره تحصیلی می‌توان به پرورش فضائل اخلاقی و معنوی دانش‌آموزان و همچنین کمک به ایجاد نظم و تربیت و پرورش عادت و تفکر علمی اشاره کرد. (همان: ۱۲۶) همچنین اهداف مهم این دوره را می‌توان در پرورش عادت به تفکر علمی، تقویت روحیه علمی، قدرت استدلال، تفکر انتقادی و خلاق خلاصه کرد. (همان: ۱۳۱)

مرحله چهارم تربیت

آخرین مرحله از تربیت در نظام تربیت رسمی و عمومی به پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم دوره متوسطه دوم اختصاص می‌یابد. تربیت و تحقق اهداف این دوره تحصیلی در بستر «مشارکت‌های متعدد در فعالیت‌های سازنده اقتصادی و اجتماعی جامعه، شکل‌گیری و یکپارچه‌سازی تکمیل و تعالی هویت ویژه فردی، رویارویی با مسائل پیچیده فرایند زندگی و کسب تجربه و حل مسئله» است. (همان: ۳۵۲) دوره متوسطه دوم را می‌توان با این هدف مهم تربیتی یعنی تربیت عقلانی شناخت. مطابق با نقشه جامع علمی کشور، کسب قدرت تفکر و خردورزی و آشنایی با روش‌های مؤثر فکر کردن و بازگو کردن و همچنین دفاع استدلالی از اصول اعتقادی، قدرت تبیین و استدلال در موضوع ولایت‌فقیه را می‌توان از اهداف مهم این دوره دانست. (صافی: ۱۶۰) مهم‌ترین اصل در دوره متوسطه اول را می‌توان در پرورش روحیه تجزیه و تحلیل و تفکر و تحقق دانش‌آموزان دانست. (صافی، ۱۳۹۳: ۱۴۶)

اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی تربیت نفس و روان

اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی ملاصدرا در قالب مجموعه‌ای از گزاره‌ها و مبانی تربیت نفس و شخصیت انسانی تجلی می‌یابند که در قالب مبانی روان‌شناختی فلسفی به توصیف آنها پرداخته می‌شود.

مبانی تعلیم و تربیت نفس و روان

خاستگاه مبانی تعلیم و تربیت نفس و روان کجاست؟ پاسخ را می‌توان بر اساس تعریف ما از مبانی روان‌شناختی فلسفی تعلیم و تربیت ارایه کرد. مبانی روان‌شناختی فلسفی تعلیم و تربیت به مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های توصیفی و تبیینی اطلاق می‌شوند که ضمن استخراج از دانش علم‌النفس در فلسفه، منبع استنتاج اهداف، اصول و روش‌ها در دانش تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند. بر این اساس، گزاره‌های مبنایی در این بخش، وام گرفته شده از علم‌النفس ملاصدرا در حکمت متعالیه است که بر اساس آن مدل‌های تربیتی استنتاج می‌گردند.

جدول ۱: معرفی نفس و روان انسانی

گزاره‌های روان‌شناختی	توصیف گزاره‌ها
نفس، کمال اول برای جسم طبیعی آلی است.	نفس، نوعی شاخص کمال و رشدیافتگی برای جسم طبیعی به شمار می‌آید و دربردارنده ابزار و قوای جسمانی است که از آن کمالات ثانویه صادر می‌گردد. (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ج ۸: ۱۷، ۷، ۱۴، ۱۶)
نفس، جوهری مجرد دارد.	نفس ناطقه انسانی، جوهری است که نه ویژگی‌های جسم را دارد و نه مقدار پذیر و نه این‌که در مقدار می‌گنجد؛ (ملاصدرا ۱۳۶۰، ج ۸: ۲۶۰) چون خصوصیات نام‌برده شده از ویژگی‌های جوهر مادی به شمار می‌آیند.
نفس، جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء است.	یعنی حقیقت این است که نفس انسانی، در حدوث و تصرف اش در بدن، جسمانی است و بقاء و تعقل آن = به صورت روحانی و مجرد است. (ملاصدرا ۱۳۶۰، ج ۸: ۳۴۷)
نفس، حرکت جوهری اشتدادی دارد.	نفس انسانی از صورتی به صورت دیگر و از کمالی به کمال دیگر رشد می‌کند. شروع این رشد از جسم مطلق به صورت عنصری و از آن به صورت معدنی و از آن به حیوانی و نباتی است. (ملاصدرا، ۱۳۶۳، ج ۳: ۴۶۱)
نفس، حیثیت مرتبه‌مندی وجودی دارد.	یعنی حرکت جوهری و ذاتی نفس، در مراحل تکامل و هم در مراتب مخصوص هر مرحله اتفاق می‌افتد؛ یعنی حرکت جوهری اشتدادی نفس به گونه‌ای است که هر مرتبه‌ای که برای نفس در هر مرحله از این سیر تکاملی یافت می‌گردد در مراحل بعدی محفوظ خواهند ماند و تنها مراتب کامل‌تری به آن افزوده می‌شود (عبودیت، ۳: ۳۰۳/۱۳۹۱) که اشاره به نوع حرکت «لبس بعد از لبس» دارد.
بهترین مرتبه نفس، رتبه ناطقیات است.	ملاصدرا پس از بیان هدف آفرینش نفس و اشاره به حیات و مراتب سه‌گانه نباتی، حیوانی و انسانی، پایین‌ترین مرتبه نفس را نفس نباتی و بالاترین مرتبه را به نفس ناطقه اختصاص می‌دهد. (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ج ۸: ۵) زیرا نفس ناطقه با دانش اندوزی و آگاهی تأمین‌کننده سعادت بشری به شمار می‌آید.

جدول ۱: معرفی نفس و روان انسانی

توصیف گزاره‌ها	گزاره‌های روان‌شناختی
«نفس، همه قوا است؛ یعنی مُدرک تمام ادراکاتی که منسوب به نیروهای انسانی است نفس ناطقه است و آن نیز محرک تمام حرکاتی است که از نیروهای محرک حیوانی و نباتی و طبیعی صادر می‌شود.» (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ج ۸: ۲۲۱)	نفس، منشأ ادراک (اندیشه) و حرکت (رفتار) است.
نفسیت نفس به تصرف در بدن و استکمال ذاتی آن است (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ج ۶: ۲۸۳) که این ارتباط تکاملی بر پایه تعلق تدبیری و تصرفی است. (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ج ۸: ۳۲۵-۳۲۷)	رابطه نفس و بدن، تصرفی و تدبیری است.
ارتباط نفس با نیروهای درونی خود بر پایه یک نگرش سیستمی و رابطه استخدامی قوا بر پایه رابطه بالا به پایین است؛ یعنی نیروهای نفسانی به جهت تقدم زمانی و برخورداری از رتبه و شرف بالاتر، دیگر نیروهای نفس را برای تحقق اهداف خود به استخدام درمی‌آورند. (ملاصدرا، ۱۳۶، ج ۸: ۵۱)	رابطه نفس با قوا از نوع عالی (استخدام‌کننده) به دانی (استخدام شونده) است.
انسان در آغاز پیدایش وجودی خود و پیش از دست‌یابی به مقام ناطقیت، حیوانی بالفعل است که در بستر کشف و پرورش استعدادها از عقل هیولانی تا عقل فعال قابلیت تبدیل شدن به انسان بالفعل را دارد. (ملاصدرا، ۱۳۹۲: ۲۷۲)	نفس انسانی در آغاز، حیوانی بالفعل و انسانی نهفته است.
مقصد نهایی نفس چیزی نیست جز دست‌یابی به قرب الهی. در حقیقت، موجود پایین‌تر به سبب «لمی» قابل و پذیرای برترین‌ها است؛ زیرا ممکن، بی‌هوده و بازیچه آفریده نشده است، بلکه بدان جهت آفریده شده که به غایت اصلی خود بازگشت نماید. (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ج ۸: ۵)	پایان و غایت تکامل نفس، خدای متعال است.

جدول ۱: معرفی نفس و روان انسانی

توصیف گزاره‌ها	گزاره‌های روان‌شناختی
سعادت حقیقی نفس، سعادت عقلانی است. ملاصدرا این کمال را بر محور کمال و نقص وجودی ترسیم می‌کند. (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ج ۹: ۱۲۱) کمال نفس نیز از نوع ادراکات عقلی است که بهترین لذت و کمال است. (همان: ۱۲۲) تکامل عقل نیز در بستر تکامل نیروهای عقل عملی و عقل نظری است.	سعادت حقیقی نفس، سعادت عقلانی است.
ملاصدرا می‌گوید: «بدان، سعادت (کمال) هر قوه‌ای در رسیدن بدان چیزی است که مقتضای ذاتش - بدون بازدارنده- و حصول کمال آن- بدون آفت- می‌باشد.» (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ج ۹: ۱۲۶). یعنی کمال نفس به‌حسب قوه نظری عبارت از رسیدن به عقلیات ناب است و به‌حسب عقل عملی حصول عدالت است. (همان: ۱۲۲)	کمال قوای نفس در دست‌یابی به مقتضای ذات آن‌هاست.

اهداف تعلیم و تربیت نفس و روان

همان‌گونه که در روش‌شناسی پژوهش اشاره شد مدل‌های تربیتی یعنی اهداف، اصول و روش‌های تربیت نفس و روان به روش استنتاج ضرورت بالقیاس الی‌الغیر از مبانی یا اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی ملاصدرا استنتاج می‌گردند. هدف غایی تربیت نفس و روان به‌طور مستقیم و یک رابطه خطی از مبانی هستی‌شناسی نفس استخراج می‌گردد. اما اهداف میانی تربیت از مقایسه مبانی و هدف غایی بر اساس روش استنتاجی ضرورت بالقیاس الی‌الغیر به صورت یک مثلث شکل می‌گیرد.

مبانی فلسفی تربیت نفس و روان ← هدف غایی تربیت نفس و روان

به عنوان مثال، در مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت می‌گوییم که انسان موجودی مرکب از جسم و روح است. در این میان، اصالت نیز به روح داده می‌شود. در واقع، حقیقت وجودی انسان دارای مراتبی است که با افعال اختیاری خود مراتب کمال را طی نموده و به کمال می‌رسد؛ ولی دامنه کمال او پایانی ندارد. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱۸۰) از دیگر سو مطابق با مبانی

الهیاتی، خداوند کامل مطلق است و تنها اوست که واجد همه کمالات بی نهایت است. از این رو مصداق کمال نهایی، هدف نهائی او قرار می گیرد که سخن است از قرب الهی (احزاب: ۲۱). در نتیجه می توان گفت هدف نهایی از تربیت انسان در این کره خاکی، قرب خداوند اگرچه قرب اختیاری اوست، این گونه است که هدف غایی تعلیم و تربیت به گونه مستقیم از مبانی فلسفی تعلیم و تربیت استخراج می شوند.

اما اهداف میانی تربیت نفس و روان که ناظر به تربیت بخش های عقل نظری و عقل عملی است از مقایسه میان مبانی روان شناختی فلسفی و هدف غایی تربیت نفس و روان حاصل می گردد. به این معنا که بر اساس مبانی روان شناختی فلسفی تربیت نفس و روان (انسان موجودی مرکب از جسم و روح است). و به جهت دست یابی به هدف غایی تربیت نفس یعنی قرب الهی و سعادت عقلانی، تربیت و پرورش عقل نظری و عقل عملی عقلاً ضرورت می یابد.

قرب الهی و سعادت عقلانی

انسان موجودی مرکب از جسم و روح است. تربیت عقل نظری و عملی

جدول ۲: اهداف تعلیم و تربیت نفس و روان بر محور تربیت عقلانی

نوع هدف	عنوان هدف	توصیف هدف
هدف غایی یا پایانی	قرب و فنای الهی	مقصد نهایی نفس چیزی نیست جز رسیدن به مقام قرب الهی؛ زیرا نفس موجودی مجرد است که در ابتدا و انتهای حرکت از خداوند و به سوی خداوند گام برمی دارد. (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ج ۶: ۳۸۰)
اهداف میانی	کمال یا رشد عقل نظری	تکامل عقل نظری در دست یابی نفس به نقطه ای از کمال است که جهان عقلی مشابه جهان عینی گردد؛ بدین معنا که صورت های جهان در انسان نقش بندد.. (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ۷۸۹) به عبارت دیگر ملاصدرا کمال عقل نظری را در دست یابی به عقلیات ناب (ایمان به خداوند و روز قیامت) می داند. (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ج ۹: ۱۲۲)
	کمال یا رشد عقل عملی	ملاصدرا انجام طاعات، پرهیز از معاصی، تخلق به اخلاق نیک و تخلص از اخلاق مذموم را از نشانه های رشدیافتگی عقل عملی می شمارد. (همان: ۲۲۳-۲۲۴)

اصول تعلیم و تربیت نفس و روان

اصول تعلیم و تربیت دومین مولفه تربیتی بعد از هدف است. این مولفه نیز مانند هدف بر اساس خاستگاه و روش استنتاجی قابل دست‌یابی و کاربرت در نظام تربیت رسمی و عمومی است. در روش استنتاجی ضرورت بالقیاس الی‌الغیر و در خصوص کیفیت استنتاج اصول می‌توان این‌گونه گفت: بر اساس مبانی فلسفی تربیت نفس و روان و در راستای دست‌یابی به هدف غایی و میانی، اجرا و کاربرت این اصول تربیت نفس و روان عقلاً ضرورت می‌یابد. به عنوان مثال، باتوجه به مبنای هستی‌شناختی تعلیم و تربیت یعنی تناسب میان علت و معلول و همچنین به جهت ضرورت دستیابی به حد مطلوب تعیین شده برای اهداف تعلیم و تربیت در هر مرحله به کارگیری و اجرای اصل تربیتی اعتدال و حد اعتدال در تکالیف دانش‌آموزان ضرورتی عقلی است که نشان از پرهیز از سختگیری و سهل‌گیری دارد. این‌گونه است که اصل اعتدال در تعلیم و تربیت از مقایسه مبانی فلسفی تعلیم و تربیت با هدف و رابطه ضروری میان آن دو استخراج و استنتاج می‌گردند.

اهداف میانی تعلیم و تربیت نفس و روان

اصول تعلیم و تربیت نفس و روان

هدف غایی تعلیم و تربیت نفس و روان

جدول ۳: اصول تعلیم و تربیت نفس و روان بر محور تربیت عقلانی

عنوان اصل	توصیف اصل
تعالی مرتبتی	تعالی و تکامل در وجود آدمی مرتبه مند است و در بستر مراتب و مراحل رشد، حرکت تدریجی و گام به گام، برحسب وسعت وجودی، امکانات و میزان تلاش در مسیر انتقال از حیات نباتی به حیوانی و بعد، انسانی شکل می‌گیرد.
جهت‌بخشی الهی	تربیت نفس و رشد شخصیت انسان و به طبع آن جهت حرکت تعلیم و تربیت، دست‌یابی به مقام قرب الهی است که باید خدامحوری در جای‌جای فرایند تربیت سایه افکنده باشد.
تربیت تداومی	تربیت نفس و رشد شخصیت انسان تا نقطه مطلوب باید به صورت پیوسته و دائمی در طول عمر وی بر محور تغییر و تحول فزاینده «من وجودی» او باشد.

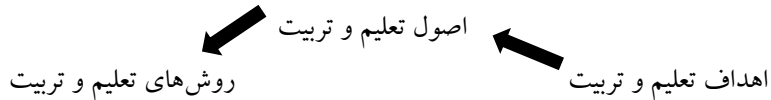
جدول ۳: اصول تعلیم و تربیت نفس و روان بر محور تربیت عقلانی

عنوان اصل	توصیف اصل
تحول‌گرایی	تربیت تربیت و رشد شخصیت انسان باید به صورت تحول مثبت و پیش‌رونده از جایگاه «بودن» یا «بود وجودی» و استعداد‌های بالقوه به سمت «شدن» یا «شد وجودی» و استعداد‌های بالفعل باشد.
جامع‌نگری و هماهنگی	تربیت تربیت نفس و شخصیت انسانی آن‌هم بر پایه رویکرد تحولی، مشروط به چشم‌انداز جامع بینی ابعاد و ساحت‌های تربیتی در بخش‌های جسمانی و روانی، مراحل و نیروهای نفس، استعداد‌های مختلف آن و هماهنگی میان‌همه آن‌هاست.
حرکت بر محور ضعف به قوت	نقطه آغازین تربیت نفس و شخصیت انسانی باید از ضعیف‌ترین مراتب حیات و رشد به سوی قوی‌ترین مراتب آن با پذیرش مراتب کمالیه از جهان بالا به صورت تدریجی باشد.
مرحله‌بندی و مرتبه‌مندی تربیت	بر پایه میانی فلسفی، تکامل نفس به صورت مرحله‌ای و گام‌به‌گام در مراتب کمال عقل نظری و عقل عملی تحقق می‌یابد. از این رو تربیت نفس و شخصیت انسانی باید بر پایه مراحل و مراتب وجودی نفس او باشد.
حرکت بر محور حسیات به عقلیات	تربیت نفس و شخصیت انسانی و به دنبال آن ادراک و یادگیری باید بر محور امور حسی (عینی) به سمت امور عقلی (ذهنی) باشد.
تعادل پروری	با ت در راستای تربیت نفس و شخصیت انسانی در همه ابعاد و ساحت‌های تربیتی و لزوم هماهنگی در کلیه بخش‌های آن تا رسیدن به هدف غایی یعنی قرب الهی، کاریست قاعده اعتدال در فرایند تربیت و در بستر نیروهای نفسانی از ضروریات این بخش به شمار می‌آید.
اصلاح و بازآفرینی	باید در فرایند تربیت نفس و شخصیت انسانی باید فرصتی برای اصلاح خطا و بازآفرینی رفتار لحاظ گردد. این خطا و لغزش به کیفیت ادراکات حسی و تعامل قوای حسی با عالم ماده بستگی دارد که ایجاد فرصت اصلاح خطا ضرورت می‌یابد.

روش‌های تعلیم و تربیت نفس و روان

دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت در بستر شکل‌گیری روش‌های متناسب با آن امکان‌پذیر است. روشن است که روش‌های تعلیم و تربیت بر مبنای اهداف و بر محور اصول و قوانین تعلیم و تربیت طراحی می‌گردند. از این رو مطابق با روش استنتاجی ضرورت بالقیاس الی الغیر باید گفت: بر اساس اهداف تربیت نفس و روان و تحقق اصول تربیت نفس، به کارگیری روش‌های تربیت نفس و روان عقلاً ضرورت می‌یابد. به عنوان مثال:

باتوجه به هدف دستیابی به حد مطلوب تعیین شده برای اهداف تعلیم و تربیت در هر مرحله و همچنین به جهت ضرورت دستیابی به اصل اعتدال در فرایند تعلیم و تربیت، به کارگیری و اجرای روش مدیریت و برنامه‌ریزی اعتدالی در فعالیت‌های شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان ضرورتی عقلی است؛ یعنی عقل این‌گونه حکم می‌کند که روش مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح در هر مرحله از آموزش و تربیت می‌تواند برای دستیابی به اعتدال تربیتی که نشان از پرهیز از سخت‌گیری و سهل‌گیری دارد، ضرورتی عقلی است که باید در مرحله عمل به کار گرفته شود. این‌گونه است که روش مدیریت و برنامه‌ریزی تربیتی از مقایسه اصول تعلیم و تربیت با هدف رابطه ضروری میان آن دو استخراج و استنتاج می‌گردد.



جدول ۴. روش‌های تعلیم و تربیت نفس و روان بر محور تربیت عقلانی

توصیف روش	عنوان روش	نوع روش
علم‌آموزی و دانش‌اندوزی از بارزترین روش‌های تربیت عقل نظری و عقل عملی در شکوفایی و به فعلیت رساندن استعدادهاى عقلانی است تا جایی که ملاصدرا آن را عامل مهم دست‌یابی به حکمت عظیم و حکومتی بزرگ و کسب زندگی سعادت‌مندانه می‌داند.	حکمت‌آموزی و دانش‌اندوزی	روش‌های تعلیم و تربیت عقل نظری

جدول ۴. روش‌های تعلیم و تربیت نفس و روان بر محور تربیت عقلانی

نوع روش	عنوان روش	توصیف روش
روش‌های تعلیم و تربیت عقل عملی	تفکر و خردورزی	در این روش، نوعی اندیشیدن ژرف نگر به مسائل حاکم است. همچنین خروج از استعدادها بالقوه به بالفعل و حرکت تکاملی، در سایه تفکر امکان‌پذیر است.
	تلفیق دانش با عمل	تکامل و رشد عقلانی تنها در بستر تعامل حوزه نظر و عمل شکل می‌گیرد. با توجه به هدف تربیت در نظام صدراتی یعنی پرورش حکیمی متأله و مؤمن واقعی می‌توان این روش را در تربیت انسان مناسب دید.
	قیاسی، برهانی و استدلالی	تربیت و رشد شخصیت انسانی در بخش تربیت عقل نظری نیازمند روش‌هایی مانند ممارست با علم، آموختن، قیاس، برهان و استدلال است که باید از آن‌ها بهره برد.
	حسی و تجربی	انتخاب روش‌های تربیتی و آموزشی باید بر پایه ماهیت پدیده‌ها و شناسایی و شناساندن آن‌ها تعیین گردد که در این میان یادگیری پدیده‌های حسی از طریق روش‌های حسی و تجربی امکان‌پذیر است.
	انگیزه بخشی	انگیزه، انرژی و عامل حرکتی رفتارهای انسانی است. این قدرت وادارندگی و بازدارندگی درونی در سایه رشد عقل عملی و عقل خالص می‌تواند رفتارهای بیرونی را به سوی قرب و فناء الهی هدایت نماید.
	عدالت ورزی	تکامل نفس و رشد شخصیت انسانی در بستر حصول عدالت در رفتار و صفات شخصیتی است که نفس در بستر این عدالت از فرمان‌های عقل عملی پیروی کرده تا به کمال و سعادت حقیقی خود دست یابد.
	تقویت اراده	تکامل اختیاری و رشد شخصیت در بستر دانش‌اندوزی و همچنین تقویت اراده برای انجام عمل تحقق‌یافتنی است. بی‌تردید، فقدان اراده درونی، انسان را از کاروان سعادت بازمی‌دارد.
	عادت‌گزینی و ملکه‌سازی	ایجاد عادات صحیح به‌جای عادات ناپسند در کودکی می‌تواند سعادت و خوشبختی را در بزرگسالی به ارمغان آورد. از این رو این روش تربیتی روشی آسان و مطلوب در ایجاد و اصلاح رفتارها به شمار می‌آید.

پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش بدین گونه است: صادق زاده قمصری (۱۳۹۰) در تدوین مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به ابتدای این سند تحول بر مبانی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته و چهارچوب نظام تربیت رسمی و عمومی را بر مبانی گوناگون فلسفی و علمی استوار کرده است. ما در بخش مبانی فلسفی شاهد مبانی انسان‌شناسی هستیم که تا حدودی با این پژوهش نزدیکی دارد.

با بررسی دیگر پژوهش‌ها شاهد آن هستیم که مصباح‌یزدی (۱۳۹۰) با رویکرد به‌کارگیری "فلسفه اسلامی چون مبانی برای تعلیم و تربیت" به تعریفی از فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی (گروه نویسندگان، ۱۳۹۰) اشاره می‌کند که می‌توان در آن به مبانی انسان‌شناختی فلسفی متأثر از حکمت متعالیه پی برد.

باقری (۱۳۸۹) با بیان این مطلب که «انسان تنها بدن نیست بلکه بارقه‌ای از روح در بدن وی راه یافته است.» باقری به در هم تنیدگی روح یا نفس آدمی با بدن اشاره می‌کند و آن را فرصتی برای زندگی آن در کالبد جسم می‌داند. این در هم تنیدگی نوعی تأثیر و اثر متقابل بر یکدیگر داشته که تربیت و عدم تربیت هر یک بر دیگری تأثیر رشدیافتگی و رشد نایافتگی خواهند گذاشت. (همان) ایشان بر این اساس، به اصول انسان‌شناختی تربیت انسان اشاره می‌کند.

علم‌الهدی (۱۳۸۸) با رویکرد ابتدای تعلیم و تربیت بر مبانی فلسفی و دین اسلام و نیز مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی بر پایه فلسفه صدرا (۱۳۸۴) به سراغ حکمت صدرایی رفته و آن را بستر مناسبی برای رشد نظریه اسلامی تعلیم و تربیت و همچنین طراحی برنامه درسی در بخش‌های اهداف، برنامه و روش‌ها می‌داند.

بهشتی (۱۳۸۶) در طرحی برای تاسیس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، زمانی که مسئله‌ی کنونی این رشته را فقدان محتوای مناسب با رویکرد اسلامی و همچنین تدریس کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ی عمدتاً غربی در چهار دهه گذشته در دانشگاه‌های ایران می‌داند راه‌برون‌رفت از این بحران را بازگشت به ذخایر و منابع اسلامی مانند ملاصدرا معرفی می‌کند و روش آن را نیز استنتاج، استنباط و استطباق می‌داند. (بهشتی، ۱۳۸۶) همچنین در موضوعی با عنوان اندیشه‌های ابتکاری ملاصدرا در حوزه روان‌شناسی فلسفی برای نظریه‌پردازی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

به بررسی ماهیت نفس و حرکت جوهری آن به بررسی مدل‌های تربیتی آن اشاره می‌کند. (بهشتی، ۱۳۸۹)

در نوآوری این پژوهش؛ می‌توان گفت: پژوهش‌های انجام شده، مسئله حیات طیبه را در بستر سعادت عقلانی توضیح و تشریح نکرده‌اند که این پژوهش بنای حیات طیبه را بر حیات معقول مطابق با هدف تربیت نفس در اندیشه ملاصدرا قرار داده است. از سوی دیگر طراحی اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی در برنامه درسی مقاطع تحصیلی نظام آموزش و پرورش از دیگر ویژگی انحصاری این پژوهش به شمار می‌آید که جای آن در سایر پژوهش‌ها خالی است. جایابی تربیت عقلانی به عنوان یک ساحت تربیتی در کنار سایر ساحت‌های تربیتی از دیگر بخش‌هایی است که با توجه به خلأ آن در سایر پژوهش‌ها در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	عنوان
۱	مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی. علیرضا صادق زاده	Text (English)
۲	فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. مصباح یزدی	Text (English)
۳	درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران خسرو باقری	Text (English)
۴	نظریه اسلامی تعلیم و تربیت. جمیل علم الهدی	Text (English)
۵	تبیین تعلیم و تربیت اسلامی و دلالت‌های آن در برنامه درسی با تأکید بر آثار ملاصدرا. جمیل علم الهدی	Text (English)
۶	زمینه‌ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب. سعید بهشتی	Text (English)
۷	تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت. سعید بهشتی	Text (English)

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش یک پژوهش کاربردی است؛ چون محصول این پژوهش یعنی دلالت‌های تربیتی اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی ملاصدرا در بخش‌های اهداف، اصول و روش‌های تربیت در عرصه عمل می‌تواند راهگشای آموزش مربیان و عمل تربیتی متریان قرار گیرد. این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و استنتاجی و تطبیقی در شکل دهی به مدلول‌های تربیتی بر پایه مبانی بهره‌جسته است. محقق در راستای استنتاج مدلول‌های تربیتی ابتدا به روش توصیف و تحلیل محتوای کیفی به تبیین اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی ملاصدرا پرداخته (در پرسش اول فرعی) و در ادامه برای استنتاج مدلول‌های تربیتی در بخش اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی به روش استنتاجی پیش‌رونده و ضرورت بالقیاس الی‌الغیر (در پرسش دوم فرعی) روی آورده است. در پایان با بکارگیری روش تطبیقی، دلالت‌های تربیتی استنتاج شده، بر دوره‌های تحصیلی تطبیق داده شده و با اهداف، اصول و روش‌های تربیتی آن دوره با رویکرد تربیت عقلانی متناسب سازی شده است. (در پرسش سوم فرعی)

روش استنتاجی پیش‌رونده ویلیام فرانکنا در پژوهش‌های تربیتی به معنای حرکت از مبانی فلسفی برای نمونه ماهیت آدمی به سمت دلالت‌های تربیتی در بخش اهداف، اصول و روش‌ها در مرحله عمل تربیتی است. در این روش، فیلسوف تعلیم و تربیت با استنتاج استلزامات مربوط به یک دیدگاه فلسفی به تدوین اصول و روش‌های تربیتی روی می‌آورد. فرانکنا با توجه به این روش، نخست فعالیت‌های پژوهشی فیلسوفان را در نظر می‌گیرد و بر اساس آن زمینه‌های پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت را مطرح می‌کند. (باقری، ۱۳۸۹: ۱۰۲) مبنای نظری دوم روش‌شناسی، روش استنتاجی ضرورت بالقیاس الی‌الغیر ۱ است که به‌طور گسترده در فلسفه اخلاق رواج دارد. به‌طور خلاصه در این روش، ابتدا، اهداف تعلیم و تربیت به‌طور مستقیم از برخی مبانی روان‌شناختی فلسفی استنباط می‌شود؛ پس از آن با برقراری رابطه ضرورت بالقیاس الی‌الغیر میان مبانی و اهداف به استنتاج اصول تربیتی پرداخته می‌شود. در ادامه، شاهد استنتاج روش‌های تربیتی از مبانی و اهداف به روش قیاس استنتاجی خواهیم بود. مبنای نظری سوم، روش استطباقی است. در این

۱. رک به مقاله: تبیین روش‌شناسی پژوهش استنتاجی ضرورت عقلی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

روش، به مقایسه، تطبیق و متناظر سازی مبانی و مؤلفه‌های تربیتی در نظام اندیشه صدرایی و نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی پرداخته شد که در ادامه، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی با توجه به ویژگی‌های هر دوره تحصیلی همسان شده و به‌عنوان اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی در آن دوره تحصیلی قرار گرفت.

سوالات پژوهش

- ۱- دلالت‌های تربیتی استنتاج شده از اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی ملاصدرا چه کاربردی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دارد؟
- ۲- اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی ملاصدرا چه دلالت‌هایی در حوزه اهداف، اصول و روش‌های تربیت نفس و روان دارد؟
- ۳- دلالت‌های تربیتی استنتاج شده از اندیشه‌های روان‌شناختی فلسفی ملاصدرا چه کاربردی در بخش اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی دوره‌های پیش‌دبستانی، ابتدایی اول و دوم و متوسطه اول و دوم دارد؟

یافته‌های پژوهش

کاربست دلالت‌های تربیتی اندیشه‌های ملاصدرا در نظام تربیت رسمی و عمومی

تا به این نقطه از مقاله در جدول‌های شماره ۲ تا ۴ به‌طور کلی و عام، دلالت‌های تربیتی نفس و روان مبتنی بر اندیشه‌های فلسفی ملاصدرا استنتاج گردید که کاربرد عام در تعلیم و تربیت دارد. اما با توجه به این که نگارنده مقاله در جستجوی کاربرست دلالت‌های تربیتی نفس و روان در نظام تربیت رسمی و عمومی بوده، در این بخش به این هدف پوشش داده است و آن‌ها را متناسب با ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی بومی و متناسب سازی نموده است. این دلالت‌ها در سه حوزه اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی در سه دوره پیش‌دبستانی، ابتدایی اول و دوم و متوسطه اول و دوم طراحی و تدوین گردیده است که در این ذیل قابل مشاهده است.

دوره پیش دبستانی

اهداف تربیت عقلانی کودکان دوره پیش دبستانی

نگارنده مقاله در این قسمت بر آنی است تا بر اساس اهداف تعلیم و تربیت نفس و روان در جدول شماره ۲ به معرفی اهداف تربیت عقلانی در دوره پیش دبستانی بپردازد که در ذیل قابل مشاهده است.

۱. معرفی خداوند به کودکان به‌عنوان نعمت دهنده‌ی کودکان؛
۲. ایجاد علاقه و محبت به خداوند با تقویت حس برخوردارگی از نعمت‌های الهی؛
۳. پرسش‌آفرینی در مورد خلقت انسان و جهان در ذهن کودکان و ارائه پاسخ‌های مناسب؛
۴. بسترسازی و ایجاد فرصت‌های آموزشی برای تقویت مشاهده و تفکر کودکان با نشانه‌های خداوند در روی زمین؛
۵. ایجاد زمینه‌های لازم جهت گرایش به انجام رفتارهای اخلاقی مطلوب و دوری از رفتارهای نامطلوب؛
۶. ایجاد زمینه‌های لازم جهت درک نسبی و حسی زیبایی‌ها و زشتی‌های اخلاقی؛

اصول تربیت عقلانی کودکان دوره پیش دبستانی

- محقق در این بخش در نظر دارد تا بر اساس اصول تعلیم و تربیت نفس و روان در جدول شماره ۳ به اصول تربیت عقلانی در دوره پیش دبستانی اشاره کند که در ذیل قابل مشاهده است.
۱. آشنا سازی کودکان با خداوند و گرایش به او باید مطابق با مراحل رشدی کودکان یعنی ادراک حسی و عینی باشد. (اصل تعالی مرتبتی)
 ۲. تربیت علمی و دینی کودکان در راستای تفکر پروری باید به‌صورت تدریجی از مفاهیم ساده و عینی به مفاهیم پیچیده‌تر صورت گیرد. (اصل تدریج)
 ۳. پرورش شخصیت کودکان باید به‌صورت رشد مثبت و بر پایه رویکرد تحول‌گرایی باشد. (اصل تحول‌گرایی)
 ۴. پرورش شخصیت کودکان باید به استعدادهای جسمانی و روانی و ساحت‌های تربیتی او توجه شود. (اصل جامعه‌بینی و هماهنگی)

۵. پرورش شخصیت کودکان باید از آموزش سطوح پایین‌تر یادگیری به سمت آموزش‌های سطوح بالاتر آن، اتفاق افتد. (اصل حرکت از ضعف به قوت)
۶. پرورش شخصیت کودکان باید بر آموزش‌های حسی، فعالیت‌های عینی و ادراکات حسی متمرکز گردد. (اصل حرکت از حسیات به معقولات)
۷. پرورش شخصیت کودکان باید از افراط و تفریط در ارائه موضوعات و محتوای آموزشی پرهیز گردد. (اصل اعتدال)
۸. پرورش شخصیت کودکان باید فرصت اصلاح رفتارهای اشتباه و بازآفرینی خود به آن‌ها داده شود. (اصل اصلاح و بازآفرینی)

روش‌های تربیت عقلانی کودکان دوره پیش دبستانی

نویسنده پس از معرفی اهداف و اصول تربیت عقلانی در این دوره به دنبال آن است تا بر اساس روش‌های تعلیم و تربیت نفس و روان در جدول شماره ۴، روش‌های تربیت عقلانی در دوره پیش دبستانی را عرضه کند که در ذیل قابل مشاهده است.

تربیت عقل نظری

۱. روش شناخت افزایی: ارائه اطلاعات و آگاهی‌های لازم در مورد وجود خداوند و کیفیت خلقت هستی؛
۲. روش پرسش آفرینی: طرح پرسش و پاسخ کامل به آن‌ها به صورت حسی و عینی در راه شناخت خداوند در کودکان؛
۳. روش تجربه عملی، حسی و تجربه زیسته: آموزش حضور خداوند در زندگی کودکان از طریق تجربه عملی، حسی و تجربه زیسته کودکان؛
۴. روش تشویق به تفکر: طرح پرسش‌های علمی و دینی قابل فهم کودکان و ارائه بازخورد مناسب و تشویق به اندیشیدن؛
۵. روش مشاوره و راهنمایی: هدایت و راهنمایی کودکان در راستای یادگیری‌های اخلاقی و انجام آن‌ها در مرحله عمل؛

تربیت عقل عملی

۱. روش انگیزه بخشی: ارائه آگاهی‌های لازم درباره چگونگی تفکر و انجام رفتارهای درست، جهت تقویت انگیزه بیشتر انجام عمل در کودکان؛
۲. روش یادگیری مشاهده‌ای: مشاهده آثار و نتایج رفتارهای خوب جهت تشویق به تفکر پیش از عمل؛
۳. روش ارائه بازخورد مثبت: تشویق و ارائه پاداش پس از انجام رفتارهای مثبت و تفکر علمی؛
۴. روش فرصت بخشی: فرصت سازی و ارائه زمان در راستای اصلاح رفتار آن‌هم پس از انجام رفتارهای نادرست و جبران رفتارهای اشتباه توسط خود کودکان؛
۵. روش اعتدالی: ارائه تمرین‌ها و فعالیت‌های عملی بر پایه توان فردی کودکان به دور از افراط و تفریط؛
۶. روش تقویت اراده: ایجاد علاقه نسبت به تفکر و اندیشیدن جهت تقویت اراده در انجام رفتارهای صحیح؛
۷. روش عادت دهی: عادت دهی کودکان به تفکر و انجام رفتارهای مثبت و دوری از رفتارهای منفی.

دوره ابتدایی اول و دوم

اهداف تربیت عقلانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی اول و دوم

نگارنده مقاله در این قسمت بر آن است تا بر اساس اهداف تعلیم و تربیت نفس و روان در جدول شماره ۲ به معرفی اهداف تربیت عقلانی در دوره ابتدایی اول و دوم پردازد که در ذیل قابل مشاهده است.

۱. آشنا سازی دانش‌آموزان با خداوند به‌عنوان نقطه آغازین آفرینش؛
۲. آموزش تفکر و استدلال ورزی در بخش تربیت علمی؛
۳. تقویت روحیه پرسشگری در مورد خلقت انسان و جهان و مبدأ و مقصد آن؛
۴. ایجاد بستر مناسب و فرصت‌های آموزشی برای مشاهده و تفکر در رموز عالم؛

۵. تقویت اعتقادات دینی و ارتقای باور الهی در شخصیت دانش آموزان؛
۶. ایجاد بستر مناسب جهت شکل گیری دانش و آگاهی های اخلاقی؛
۷. ایجاد بستر مناسب جهت شکل گیری مهارت و رفتارهای اخلاقی؛
۸. ایجاد زمینه لازم جهت درک نسبی و عینی زیبایی ها و زشتی های اخلاقی؛
۹. ایجاد زمینه لازم جهت انجام رفتارهای اخلاقی خوب و دوری از رفتارهای ناپسند اخلاقی؛

اصول تربیت عقلانی دانش آموزان دوره ابتدایی اول و دوم

محقق در این بخش در نظر دارد تا بر اساس اصول تعلیم و تربیت نفس و روان در جدول شماره ۳ به اصول تربیت عقلانی در دوره ابتدایی اول و دوم اشاره کند که در ذیل قابل مشاهده است.

آموزش و تربیت شخصیت دانش آموزان باید:

۱. مطابق با مراحل رشد و یادگیری حسی و عینی بوده تا با مبدأ و مقصد آفرینش آشنا گردند. (اصل تعالی مرتبتی)
۲. به صورت تدریجی از آموزش مفاهیم ساده به سمت مفاهیم پیچیده صورت گیرد. (اصل تدریج)
۳. به صورت مستقیم و غیرمستقیم به تقویت مبدأ شناسی و مقصد شناسی و مبدأ باوری و مقصد باوری بیانجامد. (اصل جهت بخشی الهی)
۴. به صورت رشد مثبت و پیش رونده بر پایه تحول شخصیتی باشد. (اصل تحول گرایی)
۵. آموزش و تربیت شخصیت باید بر تربیت جسمانی و روانی و ساحت های تربیت اعتقادی، اخلاقی و علمی توجه شود. (اصل جامع نگری)
۶. بر محور آموزش از سطوح پایین علمی به سطوح بالاتر آن گام بردارد. (اصل حرکت از ضعف به قوت)
۷. بر محور آموزش و ادراکات حسی و فعالیت های عینی و انتزاعی متمرکز گردد. (حرکت از محسوسات به معقولات)

۸. بر محور اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در موضوعات و محتوای آموزشی و تربیتی استوار گردد. (اصل تعادل پروری)

۹. بر پایه ارائه فرصت اصلاح رفتارهای اشتباه و بازآفرینی شخصیتی شکل گیرد. (اصل اصلاح و بازآفرینی)

روش‌های تربیت عقلانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی اول و دوم

نویسنده پس از معرفی اهداف و اصول تربیت عقلانی در این دوره به دنبال آن است تا بر اساس روش‌های تعلیم و تربیت نفس و روان در جدول شماره ۴، روش‌های تربیت عقلانی در دوره ابتدایی اول و دوم را عرضه کند که در ذیل قابل مشاهده است.

روش‌های تربیت عقل نظری

۱. روش شناخت افزایی: ارائه اطلاعات و آگاهی‌های لازم در مورد وجود خداوند و کیفیت خلقت هستی؛

۲. روش پرسش آفرینی: طرح پرسش و پاسخ کامل به آن‌ها به صورت حسی و عینی در راه شناخت خداوند در کودکان (علم‌آموزی و حکمت‌اندوزی)؛

۳. روش تجربه عملی، حسی و تجربه زیسته: آموزش حضور خداوند در زندگی کودکان از طریق تجربه عملی، حسی و تجربه زیسته کودکان؛

۴. روش تشویق به تفکر: طرح پرسش‌های علمی و دینی قابل فهم کودکان و ارائه بازخورد مناسب و تشویق به اندیشیدن؛

۵. روش مشاوره و راهنمایی: هدایت و راهنمایی کودکان در راستای یادگیری‌های اخلاقی و انجام آن‌ها در مرحله عمل؛

۶. روش آموزش تفکر انتقادی: و درخواست «چرایی» در برابر هر مطلب به پذیرش استدلالی،

۷. ترکیب دانش و مهارت: همراهی آموزش با مهارت در کلاس درس در راستای رشد تفکر و تربیت عقلانی.

روش‌های تربیت عقل عملی

۱. ارائه دانش و آگاهی‌های لازم درباره چگونگی انجام عمل در راستای تقویت انگیزه درونی؛
۲. درونی سازی عشق و آفرینش علاقه به انجام تفکر و عمل در راستای تقویت انگیزه درونی؛
۳. یادگیری مشاهده‌ای و دیدن آثار تفکر و اندیشیدن در راستای تقویت انگیزه درونی؛
۴. اجرای اعتدال رفتاری و کنترل پرخاشگری و تقویت مهارت‌های عملی عقل محور را در دانش‌آموزان؛
۵. عادت‌گزینی و ملکه سازی رفتارها در راستای شکل‌گیری عادت رفتاری مثبت و پرهیز از رفتارهای منفی در بزرگ‌سالی؛
۶. تشویق و پاداش‌دهی آن‌هم پس از هر تفکر در راستای شکوفاسازی تربیت عقلانی در دانش‌آموزان؛

دوره متوسطه اول و دوم

با توجه به رشد ذهنی دانش‌آموزان از مرحله حسی و عینی به مرحله انتزاعی و تحلیلی، پرورش تفکر و تربیت عقلانی در این دوره تحصیلی جلوه بیشتری می‌یابد. در راستای تربیت عقلانی این دوره تحصیلی، توصیه‌های زیر ارائه می‌گردد:

اهداف تربیت عقلانی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم

نگارنده مقاله در این قسمت بر آن است تا بر اساس اهداف تعلیم و تربیت نفس و روان در جدول شماره ۲ به معرفی اهداف تربیت عقلانی در دوره متوسطه اول و دوم بپردازد که در ذیل قابل مشاهده است.

۱. آشنایی عمیق دانش‌آموزان با مبدأ و مقصد هستی یعنی خداوند متعال به‌عنوان خالق آفرینش؛
۲. تقویت روحیه پرسشگری و پرسش‌آفرینی در دانش‌آموزان؛
۳. تقویت اعتقادات دینی و ارتقا باورهای الهی در شخصیت دانش‌آموزان؛
۴. تقویت گرایش و تشویق به انجام رفتارهای مثبت اخلاقی؛
۵. تقویت آگاهی و هشدار به انجام رفتارهای منفی اخلاقی؛

۶. آموزش شیوه استدلال و تفکر استدلالی؛
۷. آموزش تفکر انتقادی و پذیرش علمی و استدلالی مطالب؛
۸. آموزش نظم در تفکر و اندیشیدن و بروز رفتار در مرحله شناخت و عمل؛
۹. ایجاد بستر مناسب جهت شکل‌گیری دانش و آگاهی‌های اخلاقی؛
۱۰. ارائه آگاهی‌های لازم در زمینه مناسک دینی و مسائل و احکام شرعی.

اصول تربیت عقلانی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم

محقق در این بخش در نظر دارد تا بر اساس اصول تعلیم و تربیت نفس و روان در جدول شماره ۳ به اصول تربیت عقلانی در دوره متوسطه اول و دوم اشاره کند که در ذیل قابل مشاهده است.

۱. دانش‌آموزان باید مطابق با مرحله رشد و یادگیری انتزاعی و تحلیلی، با مبدأ و مقصد آفرینش آشنا گردند. (اصل تعالی مرتبتی)
۲. پرورش تفکر و استدلال ورزی، تبیین و دفاع عقلانی در شخصیت دانش‌آموزان باید به صورت تدریجی از آموزش مفاهیم ساده به سمت مفاهیم پیچیده صورت گیرد. (اصل تدریج)
۳. آموزش و تربیت شخصیت دانش‌آموزان درباره مبدأ و مقصد شناسی و همچنین مبدأ و مقصد باوری باید بر محور استدلال ورزی، تبیین و دفاع عقلانی صورت گیرد.
۴. آموزش و تربیت شخصیت دانش‌آموزان باید به صورت رشد مثبت و پیش‌رونده بر پایه تحول شخصیتی باشد. (اصل تحول‌گرایی)
۵. آموزش و تربیت شخصیت دانش‌آموزان باید بر تربیت جسمانی و روانی و ساحت‌های تربیت اعتقادی، اخلاقی و علمی توجه شود. (اصل جامع‌نگری)
۶. آموزش و تربیت شخصیت دانش‌آموزان باید در بستر تفکر انتزاعی، اندیشه ورزی تحلیلی و ادراک عقلی تحقق یابد.
۷. آموزش و تربیت شخصیت دانش‌آموزان باید بر محور اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در موضوعات و محتوای آموزشی و تربیتی استوار گردد. (اصل تعادل پروری)

۸. آموزش و تربیت شخصیت دانش آموزان باید بر پایه ارائه فرصت اصلاح رفتارهای اشتباه و بازآفرینی شخصیتی شکل گیرد. (اصل اصلاح و بازآفرینی)

روش‌های تربیت عقلانی دانش آموزان دوره متوسطه اول و دوم

نویسنده پس از معرفی اهداف و اصول تربیت عقلانی در این دوره به دنبال آن است تا بر اساس روش‌های تعلیم و تربیت نفس و روان در جدول شماره ۴، روش‌های تربیت عقلانی در دوره متوسطه اول و دوم را عرضه کند که در ذیل قابل مشاهده است.

تربیت عقل نظری

۱. روش شناخت افزایی: ارائه اطلاعات و آگاهی‌های لازم در مورد وجود خداوند و کیفیت خلقت هستی (علم آموزی و حکمت اندوزی)؛
۲. روش پرسش آفرینی: طرح پرسش و پاسخ کامل به آن‌ها به صورت یادگیری انتزاعی و تحلیلی در راه شناخت خداوند در دانش آموزان (علم آموزی و حکمت اندوزی)؛
۳. پرسش و پاسخ سقراطی: و تفکر ورزی در راستای تربیت شناختی و عقل نظری دانش آموزان؛
۴. روش استدلال عقلانی و تحلیل فلسفی: آموزش حضور خداوند در زندگی دانش آموزان از طریق استدلال عقلانی و تحلیل فلسفی؛
۵. روش آموزش تفکر انتقادی: و درخواست «چرایی» در برابر هر مطلب به پذیرش استدلالی؛
۶. روش کاوشگری و پژوهش علمی: دریافت پاسخ‌های علمی و رشد تفکر و تعقل و در پایان، تربیت عقلانی به روش کاوش‌گری؛
۷. روش تشویق و تقویت روحیه پرسشگری: طرح پرسش‌های علمی و دینی قابل فهم دانش آموزان و ارائه بازخورد مناسب و تشویق به اندیشیدن؛
۸. روش مشاوره و راهنمایی: هدایت و راهنمایی دانش آموزان در راستای یادگیری استدلالی اخلاقی و انجام آن‌ها در مرحله عمل؛
۹. ترکیب دانش و مهارت: همراهی آموزش با مهارت در کلاس درس در راستای رشد تفکر و تربیت عقلانی.

تربیت عقل عملی

۱. ارائه دانش و آگاهی‌های لازم درباره چگونگی انجام عمل در راستای تقویت انگیزه درونی؛
۲. درونی سازی عشق و آفرینش علاقه به انجام تفکر و عمل در راستای تقویت انگیزه درونی؛
۳. یادگیری مشاهده‌ای و دیدن آثار تفکر و اندیشیدن در راستای تقویت انگیزه درونی؛
۴. اجرای اعتدال رفتاری و کنترل پرخاشگری و تقویت مهارت‌های عملی عقل محور را در دانش‌آموزان؛
۵. عادت‌گزینی و ملکه‌سازی رفتارها در راستای شکل‌گیری عادت رفتاری مثبت و پرهیز از رفتارهای منفی در بزرگ‌سالی؛
۶. تشویق و پاداش‌دهی آن‌هم پس از هر بار تفکر در راستای شکوفاسازی تربیت عقلانی در دانش‌آموزان؛

نتیجه‌گیری

تربیت انسان در بخش جسم و روان او از جمله حوزه‌های آموزشی و تربیتی است که اندیشمندان و فیلسوفان متعددی در جهان غرب و اسلام درباره آن سخن رانده و یا قلم‌ترسایی نموده‌اند. طبعاً روی آوری به مبانی فلسفی و علمی تربیت نفس و روان انسانی در راستای تحقق و تضمین سعادت و جاودانگی او در میان اندیشمندان این حوزه مری بدیهی است. در این راستا، تبیین مبانی فلسفی و استخراج آثار و دلالت‌های آن در حوزه تعلیم و تربیت می‌تواند راهگشای امر برنامه‌ریزی تربیتی برای متخصصان امر باشد. بر اساس یافته‌های حاصل از این تحقیق، اندیشه‌های فلسفی صدرالمتهالین شیرازی در بخش روانشناسی فلسفی یا همان علم و نفس که به بررسی ماهیت نفس و روان انسان، ویژگی‌ها و چگونگی رشد و تربیت آن می‌پردازد، می‌تواند به عنوان یک منبع قوی در حوزه تربیت دینی به امر تربیت نفس و روان متریبان و انسان‌ها بپردازد. اما استفاده و بهره‌برداری از این ظرفیت فلسفی نیازمند واکاوی اندیشه‌های فیلسوفان مسلمان و تطبیق آن بر مسائل تربیتی است.

در ادبیات نظری و پژوهشی موجود شواهد متعددی دال بر ظرفیت ها و قابلیت های حکمت متعالیه ملاصدرا جهت تبیین و استنتاج دلالت های تربیتی آن در نظام تعلیم و تربیت وجود دارد که نیازمند پژوهش است. صادق زاده فمصری (۱۳۹۰) در تدوین مبانی نظری و فلسفی سند تحول بنیادین به طور عام در همه ابعاد و به طور خاص در بخش انسان شناسی از مبانی انسان شناختی حکمت متعالیه بهره جسته و به دلالت های تربیتی آن در حوزه تعلیم و تربیت اشاره کرده است. همچنین باقری (۱۳۸۹) به دو بعدی انسان و در جسم و روح و لزوم تربیت هر دو بخش اشاره کرده و تربیت هر یک از آن را در تربیت دیگری تاثیرگذار می داند. علم الهدی (۱۳۸۸) با ابتای تعلیم و تربیت بر مبانی فلسفی ملاصدرا پرداخته و برنامه ریزی درسی در بخش های مختلف آن را متأثر از مبانی فلسفی به ویژه مبانی انسان شناسی می داند. بهشتی (۱۳۸۶) نیز راهبرد تاسیس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و راه برون رفت از بحران این رشته در دانشگاه ها را بازگشت به مبانی فلسفه اسلامی و منابع دینی می داند. افزون بر آن مصباح یزدی (۱۳۹۰) نیز فلسفه اسلامی را مبنایی مناسب برای تعلیم و تربیت دانسته و در کلیه مبانی فلسفی تعلیم و تربیت به طور عام و مبانی انسان شناختی تعلیم و تربیت به طور خاص از حمت متعالیه یاری می جوید. بنابراین، پژوهش های موجود به طور خاص به استنتاج و کاربست دلالت های تربیتی در مقاطع مختلف تحصیلی در نظام تربیت رسمی و عمومی اشاره نکرده اند که این خلا و شکاف، محقق را بر آن داشت تا به این پژوهش بپردازد. طبق نتایج این پژوهش، سعادت انسان و دستیابی به قرب الهی در بستر تربیت صحیح او و آن هم در شکل تربیت عقلانی صورت می گیرد. ملاصدرا حیات طیبه انسانی را به حیات معقول ترجمه کرده و تحقق این حیات را را منوط به تربیت عقلانی انسان ها می داند. حال این تربیت عقلانی باید در حوزه عقل نظری یا همان رشد شناخت اندیشه ها و در حوزه عقل عملی یا همان رشد مهارت ها و توانایی ها تجلی یابد تا با ترکیب این دو تربیت عقلانی، رشد شخصیت و منش متریان شکل گیرد و سعادت و جاودانگی را برای او رقم زند. روشن است که در نظام تربیت رسمی و عمومی ما با مقاطع مختلف تحصیلی مواجه هستیم که هدف این نظام تربیتی تحقق حیات طیبه در زندگی فردی و اجتماعی دانش آموزان توسط تربیت است. با توجه به ترجمه حیات طیبه و حیات معقول به تربیت عقلانی مبتنی بر اندیشه های ملاصدرا می توانند سعادت عقلانی را در هستی برای او رقم زند که پژوهش حاضر به آن پرداخته و رشد و تکامل عقل نظری و عقل عملی در هر یک

از مراحل و مقاطع تحصیلی نظام آموزش و پرورش در قالب اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی به تصویر کشانده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- اتکینسون، ریتال ال و دیگران، (۱۳۸۵)، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، مترجمان محمدتقی براهنی و دیگران، تهران: رشد.
- الشیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۳۱)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه، ج ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، بیروت: دار احیا التراث.
- الشیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۹۲)، ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، با تصحیح، تعلیق و مقدمه سید جلال آشتیانی، تهران: سروش.
- الشیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۴۱)، العرشیه، ترجمه غلام حسن آهنی، اصفهان: مهدوی.
- الشیرازی، صدرالدین محمد، (۱۴۱۹ ق)، مفاتیح الغیب، ترجمه محمد خواجه‌سوی، ج ۱-۲، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- الشیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۸۰)، اسرار الآیات، یا رازهای آیات قرآن، ترجمه محمد خواجه‌سوی، تهران: مولی.
- الشیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۸۳)، شرح اصول کافی، تصحیح محمد خواجه‌سوی، ج ۱-۳، چ ۲، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الشیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۵۸)، الواردات القلییه فی معرفه الربوبیه، ترجمه و تصحیح احمد شفیعی‌ها، تهران: انجمن فلسفه ایران.
- امینی، ندا، (۱۳۹۰)، ملاحظات روان‌شناختی به‌منظور مسئله نفس از دیدگاه ملاصدرا، مزلو و راجرز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ملایر: دانشگاه ملایر.
- باقری، خسرو، (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- باقری، خسرو، (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بابازاده، طاهره، (۱۳۸۹)، بررسی نفس از دیدگاه ملاصدرا و دلالت‌های تربیتی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

- بهشتی، سعید، (۱۳۸۶)، زمینه‌ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب، تهران: اطلاعات.
- بهشتی، سعید، (۱۳۸۹)، تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- جوادی، محسن، (۱۳۷۵)، مسأله باید و هست (بحثی در رابطه با ارزش و واقع)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- حسن پور، علیرضا، (۱۳۹۱)، تحلیل انتقادی اهداف کلان تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به اهداف تعلیم و تربیت از منظر ملاصدرا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- حاتمی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی رابطه نفس و بدن از دیدگاه فیلسوفان اسلامی، روانشناسی و روان‌پزشکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- خنیفر، حسین و همکاران، (۱۳۸۹)، مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، تهران: نورالثقلین.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی، مقدمه بقلم گروهی از دانشمندان، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سازمان لغت‌نامه.
- رضایی، مهدی، (۱۳۹۴)، تبیین اندیشه‌های صدرالمتالهین شیرازی در حوزه روان‌شناسی فلسفی و استنتاج مدل‌های تربیتی آن، رساله دکتری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رضایی، مهدی، (۱۳۹۸)، تبیین روش‌شناسی پژوهش استنتاجی ضرورت عقلی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸(۴۹): ۸۵-۱۱۹.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران.
- صافی، احمد، (۱۳۹۳)، آموزش و پرورش دوره ابتدایی، متوسطه اول و دوم، تهران: سمت.
- صمدی، علیرضا، (۱۳۹۰)، بررسی دلالت‌های تربیتی و آراء فلسفی ملاصدرا به عنوان فیلسوف مکتب اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز: دانشگاه اهواز.
- طوسی، محمد علی، (۱۳۸۰)، سیاست‌گذاری در نظام‌های آموزشی، تهران: واحد علوم و تحقیقات.
- عبودیت، عبدالرسول، (۱۳۹۱)، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، ج ۳، تهران: سمت.
- عبودیت، عبدالرسول، (۱۳۸۹)، خطوط کلی حکمت متعالیه برگرفته از کتاب درآمدی به نظام حکمت صدرایی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- علم الهدی، جمیله، (۱۳۸۸)، نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، تهران: امام صادق (ع).
- علم الهدی، جمیله، (۱۳۸۲)، تبیین تعلیم و تربیت اسلامی و دلالت‌های آن در برنامه درسی با تأکید بر آثار ملاصدرا، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- فتحی، عباس، (۱۳۷۲)، مقایسه آراء ملاصدرا و کانت در مفهوم وجود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- فیاضی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، علم النفس فلسفی، تحقیق و تدوین، محمدتقی یوسفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- قورچیان، نادرقلی، (۱۳۷۵)، برنامه ریزی ملی، منطقه‌ای در نظام‌های آموزشی، دوره دکتری، تهران: واحد علوم و تحقیقات،
- گروهی از نویسندگان؛ زیر نظر محمدتقی مصباح‌یزدی مصباح‌یزدی، (۱۳۹۰)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۴)، شرح اسفار، تحقیق و نگارش محمدتقی سبحانی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصلح، جواد، (۱۳۵۲)، علم النفس یا روان شناسی صدرالمتهین، تهران: دانشگاه تهران.

